

## بررسی سندی و دلالی روایت «جرجیر» و نقد برداشت‌های نادرست

سیدمحمد مهدی میری (دکترای رشته کلام امامیه)

miri65@chmail.ir

محمد رنجبر حسینی (استادیار دانشگاه قرآن و حدیث)

ranjbarhossini@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۸)



### چکیده

روایت «سینبت فی قعر جهنم الجرجیر» از روایاتی است که بسیار در متون عرفانی مشاهده می‌شود و عرفاء از این روایت دو نوع برداشت ارائه دادند. برداشت نخست منسوب به ابن عربی و پیروانش همچون قیصری هست؛ آنها بر این باورند که بعد از گذشت مدتی طولانی از عذاب، رویش گیاه جرجیر در قعر جهنم، دلالت بر سرد شدن آتش و انقطاع عذاب دارد و همه دوزخیان حتی کفار معاند و لجوج بعد از سالیان متمادی از رنج و عذاب با آنکه در جهنم بسر می‌برند عذاب از آنها برداشته می‌شود. برداشت دوم نیز منسوب به گروهی دیگر از عرفاء است که آنها بر این عقیده‌اند که رویش گیاه جرجیر در قعر دوزخ دلالت بر انقطاع دوزخ و پایان جهنم دارد و بعد از گذشت احواب همه جهنمیان حتی کفار از آنجا خارج و وارد بهشت می‌گردند. نگارنده با جستجو در مجامع روایی، دو نوع روایت در باب جرجیر را مشاهده کرده که با بررسی سندی و دلالی هر یک از آنها، به این نتیجه رسیده که هیچ یک از آن روایات دلالت بر آن دو برداشت فوق ندارند.

**کلیدواژه‌ها:** عرفاء، جرجیر، جهنم، انقطاع عذاب، انقطاع دوزخ.

### مقدمه

در مورد جاودانگی عذاب دوزخ بین علماء و اندیشمندان اسلامی اختلاف وجود دارد. معتزله بر این باورند که دو گروه در عذاب جهنم جاویدند؛ یکی کافر (أعم از قاصر و مقصر) و دیگری مومن

مرتکب گناه کبیره که بدون توبه از دنیا رفته است. (قاضی معتزلی، ۱۴۰۸ ق: ۶۶۶). اما در مقابل اشاعره و شیعه معتقدند که فقط کافر مقصر در عذاب جهنم خالد است و کافر قاصر و مومن مرتکب کبیره به تناسب اعمال و عقاید خود عقاب خواهند شد و سرانجام اهل نجات خواهند شد. (شهرستانی، ۱۳۶۸ ق: ۱ / ۱۳۹؛ مفید ۱۴۱۳ ق: ۴۶). در نتیجه اکثر علمای اسلامی بر خلود و جاودانگی عذاب کافر مقصر اتفاق و اجماع دارند.

اما در مقابل گروهی از عرفاء و به پیروی از آنان برخی از فیلسوفان، قائل به نجات همه دوزخیان حتی کافر مقصر نیز شدند. (ابن عربی، بی تا: ۲ / ۶۴۷). آنان دلایل متعددی در این باره ارائه نمودند؛ یکی از مهمترین دلایل روایی آنان که بسیار آن را در کتب خود نیز ذکر می کنند حدیثی است که از رسول خدا (ص) نقل می کنند که فرمود: «سینبت فی قعر جهنم الجرجیر.» (قیصری، ۱۳۷۵: ۶۵۹). به زودی در قعر جهنم گیاهی به نام شاهی می روید. در متون عرفانی از این روایت دو تفسیر و برداشت متفاوت بیان گردیده است که در این نوشتار ضمن بیان آن دو برداشت، به بررسی سندی و دلالتی روایت جرجیر پرداخته می شود.

### معنای جرجیر

جرجیر نوعی گیاه و سبزی خوارکی است که طعمی تند و طبعی گرمی دارد و در فارسی آن را تره تیزک یا شاهی می نامند. (صفی پور، ۱۳۹۳: ۱ / ۲۳۵). و معمولاً در مناطق معتدل می روید و از آن در سالاد استفاده می شود. (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۹۴). از اقرب الموارد نقل شده که جرجیر گیاه معروفی است که در طب به کار می رود و همچنین مطبوخ آن خورده می شود و در جبل عامل آن را قره یا قره العین می نامند. (شرتونی، ۱۴۰۳ ق: ۱ / ۳۹۲).

علامه مجلسی می گوید: آنچه از کتاب های بیشتر اطباً بر می آید، این است که آنچه در فارس به نام تره تیزک یا شاهی شناخته شده، همان «جرجیر» عربی نیست؛ بلکه «رشاد» عربی است. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۶۳ / ۲۳۸). ابن بیطار گفته است: «جرجیر، دارای دو نوع است: باغی و دشتی، و هر يك از آنها نیز برای خود، دو نوع دارد. یکی از دو نوع جرجیر باغی بوده که دارای برگ های پهن و پسته ای رنگ است، تندی کمتری دارد و نرم و خوش بو است؛ اما نوع دیگر آن یعنی دشتی، دارای برگ های نازک است و طعم بسیار تندی دارد. (همان.) در هر صورت جرجیر نام یک گیاه می باشد.

## برداشت اول

گروهی از عرفاء همچون ابن عربی، عبدالرزاق کاشانی، قیصری و حسن زاده آملی بر این باورند که رویش گیاه جرجیر در قعر جهنم دلالت بر خاموش شدن آتش آن دارد که حاکی از رفع و انقطاع عذاب در خود جهنم است. (کاشانی، ۱۳۷۰: ۱۲۳؛ خوارزمی، ۱۳۷۹: ۴۳۴؛ حسن زاده-آملی، ۱۳۷۸: ۲۱۳). قیصری در این باره می‌نویسد:

و بالنسبة إلى الكافرين يجعل العذاب لهم عذاباً: أو برفعه مطلقاً، كما جاء في الحديث: يَنبَت في قعر جهنم الجرجير. و إن كانوا خالدین فیها. (قیصری، ۱۳۷۵: ۶۵۹)

و (اما) نسبت به کافران عذاب برای آنها گورا می‌گردد یا مطلقاً برداشته می‌شود، چنانکه در حدیث آمده که در قعر جهنم جرجیر می‌روید اگر چه در آن جاویدن.

ملاصدرا نیز در تفسیر قرآن خود بعد بیان قول عرفاء در مورد انقطاع عذاب می‌گوید:  
و ممّا يدل أيضا على نفي تسرمد العذاب حدیث سیأتي على جهنم زمان ینبت فی قعرها الجرجیر. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۱ / ۳۷۵).  
از آن دلایلی که دلالت بر نفی ابدیت عذاب می‌کند حدیثی است که آمده: در جهنم زمانی می‌رسد که در قعر آن جرجیر می‌روید.

علامه حسن زاده نیز در این باره می‌گوید:  
در قعر جهنم جرجیر می‌روید زیرا که نار منقطع می‌شود و عذاب مرتفع می‌گردد. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸: ۲۱۳).

در واقع عرفاء بر این باورند که سرانجام انسان‌های پست مثل کافران، منافقان، فاجران و ستمگران به سوی نعمت ختم می‌گردد. البته نعمتی متناسب با سرای جهنم؛ (خوارزمی، ۱۳۷۹: ۸۴۲). زیرا بر اساس این حدیث دوزخیان بعد از انتهای مدّت عقاب یا از آتش لذت می‌برند و یا اینکه عذاب کاملاً از آنها برداشته می‌شود. اما همچنان جایگاه آنان در جهنم می‌باشند. چون از نگاه آنان در واقع نصی در ابدیت عذاب وارد نشده است؛ بلکه نصوص فقط درباره جاودانگی دوزخ وارد شده، و دوام آن هرگز ابدیت درد و رنج را در پی نخواهد داشت. (ابن عربی، بی‌تا: ۱ / ۱۶۴؛ همان، ۷۷ / ۳؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۶۲۶). چنانچه قیصری در این باره گفته:



و ما جاء نص بخلود العذاب، بل جاء الخلود في النار، و لا يلزم  
منه خلود العذاب. (قيصري، ۱۳۷۵: ۹۸۴)  
و نصی درباره دوام عذاب نیامده بلکه نص درباره دوام آتش  
آمده و دوام آتش هرگز دوام عذاب را لازم نمی‌آید.

بنابراین برداشت عرفاء از روایت جرجیر این است که گیاه شاهی در قعر جهنم می‌روید و  
رویش آن سبب انقطاع عذاب است.

### برداشت دوم

در تفسیر و برداشت دوم، برخی از عرفاء پای خود را از قول انقطاع عذاب در جهنم فراتر گذشتند  
و قائل به انقطاع دوزخ شدند و بر این باورند که روزی خواهد آمد که درب‌های جهنم بسته خواهد  
شد و هیچ کس در آن باقی نماند و همه آنان وارد بهشت خواهند شد. ابن عربی در کتاب  
الفتوحات المکیة این ادعا را به بعضی از اهل کشف نسبت داده است:

و بعض أهل الكشف قالوا إنهم يخرجون إلى الجنة حتى لا يبقى فيها أحد من  
الناس ألبتة و تبقى أبوابها تصفق و ينبت فيها الجرجير. (ابن عربی، بی‌تا: ۲ /  
۶۴۷)

بعضی از اهل کشف قائل اند که اهل دوزخ از جهنم خارج و وارد بهشت می‌شوند  
شوند حتی احدی از مردم در آن باقی نمی‌ماند و درب‌های جهنم بسته می‌شود و  
در قعر آن گیاه جرجیر می‌روید.

بنابراین تفسیر عرفاء در هر دو برداشت از حدیث جرجیر، حکایت از وجود مادی آن گیاه در  
جهنم است؛ چرا که در غیر این صورت دلالتی بر رفع عذاب یا بسته شدن درب دوزخ ندارد. در  
نتیجه از نگاه آنان وجود مادی آن گیاه و رویش حکایت از نبود درد و رنج در جهنم و خاموش  
شدن آتش آن و یا خروج همه دوزخیان از جهنم را دارد.

### بررسی سندی و دلالتی روایات جرجیر

ویلیام چیتیک که یک محقق در متون عرفانی است این حدیث را دارای منبع و مأخذ مشخصی  
نمی‌داند. (جامی، عبدالرحمن، ۱۳۷۰: ۳۵۱) نگارنده با جستجو در مجامع روایی اگر چه عین آن



روایت را مشاهده نکرده اما دو دسته یا دو نوع روایات درباره جرجیر را یافته که در ذیل آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

الف. پاره‌ای از روایات، وجود جرجیر در دوزخ را تأیید می‌کند که عبارتند از:

۱. «عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْجُرْجِيرِ فَقَالَ: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَنْبِتِهِ فِي النَّارِ.» (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۲/ ۵۱۸). نگاه رسول خدا(ص) به جرجیر افتاد سپس فرمود: گویا آن را می‌بینم که در آتش، روئیده است.

۲. «عَنْهُ عَنِ الْيُقُطِينِيِّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ قُتَيْبَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ زَكَرِيَّا (النخعي) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ % قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَكْرَهُ الْجُرْجِيرَ وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَجَرَتِهَا نَابِتَةً فِي جَهَنَّمَ.» (همان، ۵۱۷). امام صادق % فرمود: همانا رسول خدا فرمودند: من جرجیر را خوش ندارم و گویا درخت آن را می‌نگرم که در جهنم، روئیده است.

۳. «عَنْهُ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ % قَالَ: الْجُرْجِيرُ شَجَرَةٌ عَلَى بَابِ النَّارِ.» (همان). امام باقر % فرمود جرجیر درختی بر در دوزخ است.

۴. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْحَوْكُ بِقَلْعَةِ طَيْبَةَ كَأَنِّي أَرَاهَا نَابِتَةً فِي الْجَنَّةِ وَ الْجُرْجِيرُ بِقَلْعَةِ حَبِيَّةَ كَأَنِّي أَرَاهَا نَابِتَةً فِي النَّارِ.» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۷۹). رسول خدا(ص) فرمود: ریحان سبزی طیب و پاکیزه‌ای است گویا آن را روئیده در بهشت می‌بینم، و جرجیر سبزی بدی است، گویا می‌بینم که در آتش روئیده.

۵. «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ الْهِنْدَبَاءُ لَنَا وَ الْجُرْجِيرُ لِبَنِي أُمَيَّةَ وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَنْبِتِهِ فِي النَّارِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲/ ۱۱۳). از رسول خدا روایت شده که فرمود گیاه کاسنی برای ماست و گیاه شاهی برای بنی امیه است و گویا می‌بینم که در آتش روئیده است.



۶. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مِثْنَى بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ % كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْجَرَجِيرِ يَهْتَرُ فِي النَّارِ.» (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۲ / ۵۱۸). امام صادق % فرمود: به تحقیق به جرجیر نگاه می‌کنم که در آتش می‌سوزد.

### بررسی سندی احادیث

مراد از «عنه» در احادیث شماره یک، دو و سه «احمد بن محمد برقی» است. وی محدث و عالم رجالی شیعه در قرن سوم و از یاران امام جواد % و امام هادی % است. (طوسی، ۱۴۱۳ ق: ۱ / ۳۸۳). او معروفترین فرد از خاندان برقی و صاحب کتاب المحاسن و الرجال می‌باشد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵). اکثر رجالیون شیعه (مثل نجاشی، شیخ طوسی و علامه حلی) و اهل سنت (مثل احمد بن محمد خالد) او را ثقة می‌دانند. (همان: ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۳ ق: ۶۲؛ حلی، ۱۴۱۷ ق: ۶۳). وی حتی مرجع دیگر رجالیون می‌باشد و برای توثیق راویان به کتاب الرجال او مراجعه می‌کنند.

حدیث شماره یک: «محمد بن علی» مراد «محمد بن علی ابوسمینه» و از یاران امام رضا % است. اگر چه رجالیون او را شخصی دروغ گو و فاسد المذهب معرفی کردند، (کشی، ۱۳۶۳: ۲ / ۸۲۳؛ حلی، ۱۳۸۳: ۵۰۷). اما با بررسی روایات ابوسمینه، آراء و اندیشه‌های وی در موضوعات اعتقادی به دست آمده که وی در خداشناسی، شناخت خداوند را ممکن می‌داند و به تشبیه و تجسیم و تعطیل معتقد نیست؛ در نظر وی امامت منصب الهی و از طریق نص مشخص می‌شود و زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نیست؛ در فرجام شناسی نیز به اصل معاد و پاداش و جزاء معتقد است. نتیجه این که با تحقیق انجام شده در احادیث اعتقادی ابوسمینه هیچ ناهماهنگی و ناسازگاری با آراء مشهور و اندیشه‌های کلامی که از طریق راویان ثقة به ما رسیده، دیده نشده است؛ در نتیجه اتهامات وارده بر وی صحیح نمی‌باشد. (ثامری ندافی، ۱۳۹۱: ۲۵). به همین دلیل رجال شناس معاصر آیت الله خوبی احتمال داده که شاید فرد متهم به غلو غیر او باشد و تشابه اسمی موجب چنین اتهامی به وی شده است. (خوبی، ۱۴۰۹ ق: ۱۶ / ۲۹۹ و ۳۰۰).

«عیسی بن عبدالله علوی» امامی و از نوادگان حضرت علی % و از یاران امام صادق % و فردی مورد اعتماد بوده و از طرف امام % نیز مورد مدح قرار گرفت؛ پدر و جد وی نیز از دل



دادگان به اهل بیت: بودند. (همان: ۱۳ / ۱۹۵). در نتیجه می‌تواند به حدیث شماره یک اعتماد نمود و آن را صحیح دانست.

حدیث شماره دو: «یقطینی» نام کامل او «محمد بن عیسی یقطینی» می‌باشد. وی از راویان بزرگ و معروف و از یاران امام رضا<sup>ع</sup>، امام جواد<sup>ع</sup>، امام هادی<sup>ع</sup> و امام عسکری<sup>ع</sup> می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۳). که در فقه، کلام و حدیث از بزرگان شیعه محسوب می‌شود و نجاشی از او به عنوان ثقه جلیل یاد می‌کند. (همان). عیینه بن مهرا ن و حماد بن زکریا مهمل و مجهول هستند و نزد رجالیون شیعه شناخته شده نمی‌باشد.

حدیث شماره سه: «سیاری»، نام کامل وی «احمد بن محمد سیاری» است. برخی او را اصحاب امام هادی<sup>ع</sup> و امام عسکری<sup>ع</sup> می‌دانند (خوئی، ۱۴۰۹ ق: ۳ / ۷۲). اما بیشتر رجالیون شیعه از جمله شیخ طوسی در استبصار و نجاشی در الرجال، وی را شخصی دروغ‌گو، ضعیف و فاسد المذهب معرفی کردند. (طوسی، ۱۳۹۰ ق: ۱ / ۲۳۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۰). آیت‌الله خوبی درباره وی می‌گوید: برخی از روایات تحریف قرآن، از احمد بن محمد سیاری نقل شده است. (خوئی، ۱۴۳۰ ق: ۲۲۶). أحمد بن فضیل و محمد بن سعید، هر دو مجهول هستند. ابی جمیله کنیه «مفضل بن صالح» است. (طوسی، ۱۴۱۳ ق: ۳۱۵). نجاشی در الرجال خویش و علامه در خلاصه الاقوال او را تضعیف کرده‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۲؛ حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۵۸). مراد از «جابر»، «جابر بن یزید جعفی» است. در مورد وثاقت و عدم وثاقت او میان رجالیون اختلاف است؛ نجاشی در وثاقت او تردید دارد، (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۸). ابن داود حلی او را مرجوح می‌داند، (حلی، ۱۳۸۳: ۶۱). ابن غضائری که نگاه سختگیرانه به راویان دارد بیان می‌کند که جابر بن یزید جعفی فی نفسه ثقه و مورد اعتماد است اما راویانی که از او روایت نقل کرده‌اند همگی افراد ضعیفی هستند. (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۹۴).

حدیث شماره چهار و پنج: این دو روایت فاقد سلسله سند بوده و مرسل می‌باشند. حدیث شماره شش: «علی بن حکم انباری» با عناوین مختلفی در کتب رجالی از او یاد شده است، مثل «علی بن حکم بن زبیر بن نخعی» و «علی بن حکم کوفی» که همه ناظر به یک نفر می‌باشد. (خوئی، ۱۴۰۹ ق: ۱۱ / ۳۹۴). شیخ طوسی در الفهرست و علامه حلی در خلاصه الاقوال از او به عنوان امامی و ثقه جلیل یاد می‌کنند. (طوسی، بی‌تا: ۲۶۴؛ حلی، ۱۴۱۷: ۹۳).



«مثنی بن ولید حناط» امامی و ثقه و از اصحاب امام صادق % می‌باشد. (خوئی، ۱۴۰۹ ق: ۱۴ / ۱۸۳ و ۱۸۴).

اگر چه برخی از روایات ضعیف بوده اما در مقابل برخی دیگر از روایات موثق‌اند و به نظر نگارنده می‌توان از روایات ضعیف به عنوان شاهد و موید استفاده نمود چرا که روایات ضعیف با روایات موثق هم‌خوانی دارند و معارض هم دیگر نیستند.

### بررسی دلالتی روایات

در احادیث یک تا پنج آمده که جرجیر در دوزخ روئیده است. این احادیث وجود جرجیر در دوزخ را تایید می‌کند و اگر چه شباهتی به روایت عرفاء دارد اما دلالتی بر مدعای آنان ندارد، زیرا این روایات صرفاً خبر از وجود جرجیر در جهنم را می‌دهد و درباره خاموش شدن آتش آن ساکت است چرا که اگر صرف رویش سبزی در دوزخ دلالت بر سرد شدن یا خاموش شدن آتش جهنم داشته باشد باید درخت زقوم نیز دلالت بر آن داشته باشد و حال آنکه قرآن کریم درخت زقوم را غذای جهنمیان و جزئی از عذاب جهنم بر می‌شمارد: "إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ \* طَعَامُ الْأَثِيمِ \* كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ". (دخان، ۴۳ تا ۴۵) مسلماً درخت زقوم \* غذای گنهکاران است \* همانند فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد. یا در جای دیگر می‌فرماید: "أَذَلِكْ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ \* إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ \* إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ \* طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ \* فَإِنَّهُمْ لَا يَكُلُونَ مِنْهَا فَمَا يَلُتُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ" (صافات، ۶۲ تا ۶۶) آیا آن نعمت‌های بهشتی بهتر است یا درخت زقوم؟! \* ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! \* آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید! \* شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! \* آنها (مجرمان) از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر می‌کنند! بنابراین از نگاه قرآن مجید درخت زقوم، درختی است نسوز که در اصل دوزخ و قعر آتش ریشه دارد و از آنجا سر بر می‌آورد و در آتش می‌روید و نشو و نمو می‌کند و هرگز دلالت بر انقطاع عذاب دوزخیان ندارد بلکه از خود عذاب محسوب می‌شود.

با توجه به قرائن مذکور در خانواده حدیثی جرجیر مثل احادیث شماره چهار و پنج می‌توان وجود جرجیر در دوزخ را حمل بر وجود گیاه خبیثی کرد که دلالت بر بنی امیه دارد که در جهنم می‌روید و در آینده از جهنم سر در می‌آورد و در آن می‌سوزد. ضمن آنکه حدیث شماره شش از



امام صادق<sup>ع</sup> که فرمود «به تحقیق به جرجیر نگاه می‌کنم که در آتش می‌سوزد.» نیز موید همین مطلب است. این تفسیر بیان عذاب بوده نه انقطاع عذاب و غیر از برداشتی است که عرفاء از وجود جرجیر در دوزخ ارائه دادند.

ب. در مقابل روایات فوق، روایتی نقل شده که منکر وجود جرجیر در دوزخ است و حتی قائلین به وجود آن را مذمت می‌کند: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ نُصَيْرِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>ع</sup> إِذَا أَمَرَ بِشِرَاءِ الْبَقْلِ يَأْمُرُ بِالْإِكْتَارِ مِنْهُ وَمِنْ الْجِرْجِيرِ فَيُسْتَرَى لَهُ وَكَانَ يَقُولُ <sup>ع</sup> مَا أَحْمَقَ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَنْبُتُ فِي وَادٍ فِي جَهَنَّمَ وَاللَّهُ يَقُولُ "وَفُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ" (بقره، ۲۴) فَكَيْفَ تَنْبُتُ الْبَقْلُ؟» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶/۳۶۸). نصیر از امام صادق<sup>ع</sup> روایت کرده که: هر گاه مولایم به خرید سبزی دستور می‌داد، امر می‌فرمود: که سبزی و شاهی بسیار باشد. هم‌چنین می‌فرمود: چه قدر بعضی از مردم نادانند! می‌گویند: شاهی در دره‌ای از دوزخ می‌روید، در حالی که خداوند می‌فرماید: «هیزم آن (دوزخ) مردم و سنگ است» پس چگونه سبزی در آن می‌روید؟.

### بررسی سندی:

«أحمد بن أبي عبد الله برقی» از نوادگان و خانواده برقی می‌باشد. اگر چه از نظر مشهور نویسنده کتاب رجال برقی «احمد بن محمد برقی» است اما برخی احتمال دادند که «أحمد بن أبي عبد الله برقی» نویسنده آن کتاب می‌باشد. (تستری، ۱۴۱۰ ق: ۱/۴۵) در هر صورت او یکی از دانشمندان امامی و مورد وثوق علمای رجال بوده و روایات صحیح بسیاری از او نقل شده است. (خوئی، ۱۴۰۹ ق: ۲/۱۴۶).  
«محمد بن عیسی» نام کاملش «محمد بن عیسی یقطینی» است و در گذشته بیان شد که وی امامی و ثقة می‌باشد.

«حسین بن سعید اهوازی» امامی و ثقة و یکی از شخصیت‌های بزرگ شیعه در اوائل قرن سوم هجری قمری و از یاران امام رضا<sup>ع</sup>، امام جواد<sup>ع</sup> و امام هادی<sup>ع</sup> می‌باشد؛ وی ۳۰ کتاب فقهی و حدیثی مهمی را به رشته تحریر در آورده و نامش در در اسناد بیش از پنج هزار حدیث شیعه، نشان از رتبه والایی او در فقه و حدیث دارد. (برقی، ۱۴۳۳ ق: ۵۴، ۵۶؛ خوئی، ۱۴۰۹ ق:

۲/۲۴۵، ۲۶۵).



«نصیر» نام کاملش «نصیر أبي الحكم الخثعمي» است. برقی در رجال خویش او را از اصحاب امام صادق<sup>ع</sup> معرفی می‌کند (برقی، ۱۴۳۳ ق: ۳۹) و روایات بسیاری از ایشان در مصادر شیعه نقل شده و کلینی در اول روایت قید «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» آورده که معلوم است نصیر مورد اعتماد وی بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۲۴۸؛ همان: ۶ / ۳۶۸). بنابراین از آنجا که سلسله سند این حدیث در تمام طبقات تا معصوم مذکور و متصل بوده، روایت از جهت اتصال به امام مسند است و روایان نیز همگی امامی و ثقة می‌باشند.

### بررسی دلالتی:

ظاهر روایت نشان از آن دارد که در آن زمان نیز برخی از مردم قائل به وجود جرجیر و رویش آن در دوزخ بودند؛ چنانکه تاریخ به آن نیز گواهی می‌دهد به عنوان مثال سیوطی بعضی از صحابه و قدما، مثل عمر بن خطاب، ابوهریره، عبدالله بن عمر، ابراهیم، ابوسعید و شعبی را از مخالفان نظریه خلود معرفی می‌کند. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳ / ۳۸۰). البته دیدگاه رایج اهل سنت در کتاب‌های کلامی‌شان این عقیده را نمی‌پذیرند و در این مسأله همانند شیعه موضوع را دنبال می‌کنند. (قاضی ایجی، ۱۳۲۵ ق: ۸ / ۳۱۸. تفتازانی، ۱۴۰۹ ق: ۵ / ۱۳۱). اما با این حال برخی از متکلمان اهل سنت همچون ابن قیم جوزی (ابن قیم جوزیه، بی‌تا: ۲۵۷ و ۲۵۸). با مسأله خلود عذاب کفار مخالفت کردند و جزء مخالفان خلود به حساب می‌آید.

به هر حال لحن امام<sup>ع</sup> در روایت فوق، شدت مخالفت با این دیدگاه را می‌رساند. علاوه بر آن مراد امام<sup>ع</sup> از جمله «وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِجَارَةُ، فَكَيْفَ تَنْبُتُ الْبُقُلُ؟». این است که دوزخ محل آتش بوده و خود دوزخیان و سنگ‌های آن با ذات آتشین خود آتش زنه‌هایی کوچکند چگونه ممکن است گیاهی مانند جرجیر در آن بروید؟!

### جمع بین روایات

با دو رویکرد یا دو دیدگاه می‌تواند در این باره سخن گفت: ۱. دیدگاه معاد مثالی ۲. دیدگاه معاد جسمانی

با دیدگاه معاد مثالی، روایات قابل جمع هستند و در جمع بین روایات نافی جرجیر و مثبت آن می‌تواند چنین گفت: از آنجا که موجودات در عالم آخرت به صورت مثالی ظهور می‌کنند، روایاتی که خبر از وجود جرجیر در آتش جهنم را می‌دهد، مراد شکل مثالی آن است که نسوز است نه

شکل مادی آن، که مراد عرفاء بوده و حکایت از خاموش شدن آتش جهنم دارد و روایتی که وجود جرجیر را نفی می‌کند مراد شکل مادی آن می‌باشد، زیرا در روایت آمد که با وجود آتش چگونه گیاهی در دوزخ می‌روید؟!.

با دیدگاه معاد جسمانی، در مورد روایاتی که وجود جرجیر در دوزخ را تأیید می‌کند می‌توان گفت که اگر چه گیاه جرجیر از نوع ماده بوده و در آتش جهنم است اما می‌تواند نسوز باشد چرا که در دنیا نیز همانند آن وجود دارد، مثل نخ نسوز که در حرارت‌های بسیار بالا خواص خود را حفظ می‌کند و از بین نمی‌رود. با این دیدگاه جمع بین احادیث مشکل است زیرا در هر دو دسته از روایات، وجود مادی آن گیاه نفی یا اثبات شده است. اما به هر روی در جمع آن می‌توان چنین گفت که: روایاتی که خبر از وجود جرجیر در جهنم را می‌دهد فقط وجود آن را تأیید می‌نماید اما دلالتی بر آن ندارد که آتش جهنم را خاموش می‌کند؛ همانند وجود درخت زقوم در دوزخ که بدان اشاره رفت. و مراد از روایتی که نافی جرجیر در آن سرا می‌باشد این است که آن گیاه نمی‌تواند سبب خاموش شدن آتش جهنم باشد.

### نتیجه‌گیری

در مجامع روایی، حدیثی با عبارت «سینبت فی قعر جهنم الجرجیر» یافت نشده و اگر مراد عرفاء مضمون حدیث باشد نه عین عبارت آن، باز روایاتی که در آن زمینه آمده دلالتی بر مدعای آنان ندارد. چرا که روایات مثبت جرجیر، برخی ضعیف و برخی موثق می‌باشد. روایات موثق بنابر دیدگاه معاد مثالی دلالت بر وجود مثالی جرجیر دارد که نسوز است و با وجود آتش منافاتی ندارد. و بنابر دیدگاه معاد جسمانی نیز فقط، خبر از وجود جرجیر در دوزخ را می‌دهد و درباره خاموش شدن آتش جهنم ساکت است. ضمن آنکه در روایت دسته دوم بنابر دیدگاه معاد مثالی وجود مادی جرجیر نفی شده و بنابر دیدگاه معاد جسمانی یا می‌توان وجود مادی آن گیاه را نفی کرد یا آنکه جرجیر نمی‌تواند پایانی برای آتش دوزخ باشد. در همه موارد نمی‌توان تفسیر و برداشت عرفاء از روایت را صحیح دانست.



## کتابنامه

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵)، دعائم الإسلام، نشر موسسه آل البيت: لإحياء التراث، چاپ دوم، قم.
۲. ابن عربی، محمد، (بی تا)، الفتوحات المکیة، (چهار جلدی) ناشر دار الصادر، چاپ اول، بیروت.
۳. ابن قیم جوزیه، محمد، (بی تا)، حادی الأرواح إلى بلاد الافراح، نشر عالم الکتب.
۴. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، نشر دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، تهران.
۵. \_\_\_\_\_، (۱۴۳۳ ق)، الرجال البرقی، ناشر موسسه امام صادق ۰٪، قم.
۶. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ناشر اسلامی، تهران.
۷. تستری محمد تقی، (۱۴۱۰ ق)، قاموس الرجال، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم.
۸. تفتازانی، سعد الدین، (۱۴۰۹ ق)، شرح مقاصد، ناشر الشریف الرضی، چاپ اول، قم.
۹. ثامری ندافی، مظاهر، (۱۳۹۱)، آراء و اندیشه های کلامی محمد بن علی ابوسمینه، ناشر دانشگاه قرآن و حدیث، قم.
۱۰. جامی، عبدالرحمن، (۱۳۷۰)، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات ویلیام چیتیک، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران.
۱۱. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۸)، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
۱۲. حلی، ابن داود، (۱۳۸۳)، الرجال، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷ ق)، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، نشر الفقاهة، چاپ اول، قم.



۱۴. خوارزمی، حسین، (۱۳۷۹)، شرح فصوص الحکم، نشر بوستان کتاب، چاپ دوم، قم.
۱۵. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۹ ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ناشر دفتر آیت الله خوئی، چاپ اول، قم.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۱۴۳۰ ق)، البیان فی تفسیر القرآن، ناشر دفتر آیت الله خوئی، چاپ اول، قم.
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
۱۸. شرتونی، سعید، (۱۴۰۳ ق) اقرب الموارد، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
۱۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۶۸ ق)، الملل و النحل، نشر مطبعة حجازی، قاهره.
۲۰. صدر الدین شیرازی، محمد، (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، قم.
۲۱. صفی پور، عبد الرحیم، (۱۳۹۳)، منتهی الارب، (مترجم: فوادیان، محمد حسن)، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، مکارم الأخلاق، ناشر الشریف الرضی، قم.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ ق)، رجال الطوسی، ناشر الشریف الرضی، قم.
۲۴. \_\_\_\_\_، (بی تا)، الفهرست، ناشر المكتبة المرتضوية، نجف.
۲۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰ ق)، الاستبصار، نشر دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، تهران.
۲۶. قاضی ایجی، عضدالدین، (۱۳۲۵ ق)، شرح المواقف، ناشر الشریف الرضی چاپ اول، قم.
۲۷. قاضی معتزلی، عبدالجبار، (۱۴۰۸ ق)، شرح الاصول الخمسة، نشر مكتبة وهبة، چاپ دوم، قاهره.

۲۸. قیصری، داود، (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، تهران.
۲۹. کاشانی، عبدالرزاق، (۱۳۷۰)، شرح فصوص الحکم، انتشارات بیدار، چاپ چهارم، قم.
۳۰. کشی، محمد بن عمر، (۱۳۶۳) اختیار معرفة الرجال، نشر موسسه آل البيت، چاپ اول، قم.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، انتشارات الإسلامية، چاپ چهارم، تهران.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، بحار الأنوار، نشر موسسه الوفاء، بیروت.
۳۳. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ ق)، أوائل المقالات، ناشر المؤتمر العالمي للشيخ المفید، چاپ اول، قم.
۳۴. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، رجال نجاشی، النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

